

جنگ افزارهای نوین، جنگ های آینده

■ در جنگ های آینده، پیش از آنکه تانک ها بتوانند از

آشیانه های خود بیرون آیند، جنگ پایان یافته است!

هوایی در برابر جنگ زمینی، بدل به یکی از مباحث هیجان انگیز در میان دانشمندان علوم نظامی شده است. کارآیی بیشتر گونه های سیستم های جنگ افزاری - چرخ بال، کشتی یا زرهی - وابسته به پشتیبانی، تحرک و قدرت آتش است. این روزها، گفته می شود که تحرک و قدرت آتش، می تواند به بهترین شکل از راه هوا اجرا شود. برای نمونه، نیروهای ناتو از این برتری برخوردارند، پس چرا باید جوانان را به مخاطره افکنده و تن به تلفات غیر ضروری داد؟

در سال های اخیر، رأی دهندگان غربی و به ویژه آمریکایی، برخلاف جوامع سلطه گرا، نسبت به تلفات انسانی، حساسیت زیادی نشان می دهند. آنان، جنگ را طرد می کنند، به ویژه در صورتی که

شما می توانید آن سرزمین را به صورت سازمان یافته بمباران کنید و زندگی را از روی آن بزدایید، اما اگر می خواهید آن را متصرف شوید و یا تأمین نمایید، می بایست همان کاری را کنید که لژیون های رومی انجام می دادند، یعنی جان جوانان خود را به خطر اندازید... آیا کوشش ژنرال گیری فیتس در راستای حفظ دایناسورها یعنی سنت جنگ افزارهای باقی مانده از جنگ جهانی اول بود، یا این که او می خواست، عقل سلیم را در بحثی وارد کند که از زمان جنگ خلیج فارس به سود کاربرد اغراق آمیز جنگ افزارهایی با فن آوری برتر (High-Tec) و پندار پیروزی آسان و خالی از خطر، ذهن بسیاری از جنگ سالاران را به خود معطوف کرده است؟ نبرد

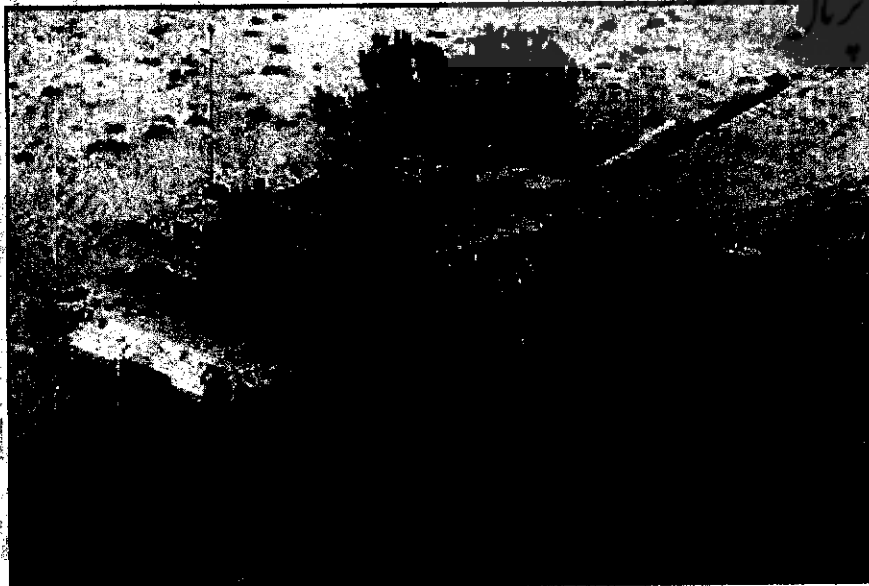
ایران تجربه تلخ یک جنگ تحمیلی هشت ساله را اخیراً پشت سر گذاشته است. از درون این تجربه تلخ، هم پرسشی سر برآورده و هم نیازی احساس شده است. پرسش این است که نیروهای مسلح ایران باید دارای چه امکانات و تجهیزاتی باشند تا بتوانند در یک تجاوز احتمالی آینده، با کمترین تلفات و خسارات با متجاوز مقابله کنند و نیازی که وجود دارد، بازسازی نیروهای مسلح از لحاظ سازمانی از یک سو و بهره گیری از جنگ افزارهای بایسته و کارا از دیگر سو است.

کوشش هایی که در این زمینه ها انجام می شود در صورتی نتایج مطلوب عاید خواهد کرد که ما تحولات جهانی در زمینه تولید جنگ افزارهای نوین و دگرترین نظامی قدرت های برتر و قدرت های منطقه ای را دقیقاً بشناسیم و براساس همین شناخت، نیروهای دفاعی کشورمان را آگاهانه سازمان دهی و تجهیز کنیم.

تحلیلی که در زیر آمده، با همین هدف ترجمه و عرضه شده است.

در کنفرانس اخیری که پیرامون کاربرد زور در سده بیست و یکم برپا شد، ژنرال رونالد گیری فیتس از کارشناسان نظامی آمریکا نسبت به اظهار نظرهای ابراز شده، مبنی بر این که کشورهای پولدار نیازی به جنگ افزارهای پیشرفته زمینی ندارند، اعتراض کرد و آن را افسانه ای فاجعه آمیز خواند.

وی سخنان یکی از تاریخ نویسان جنگ کره را بازگو کرد: ... شما ممکن است برای همیشه، آسمان سرزمینی را در اختیار داشته باشید.



منافع ملی در خطر نباشد.

استحکام واقعی

بدین گونه، روش ناتو بر پایه دکترین به حداقل رسانیدن تلفات انسانی و به حداکثر رسانیدن کاربرد فن آوری، یعنی هدایت جنگ افزارهای ویرانگر از راه دور استوار است.

این روند، موجب بروز برخی مسائل زشت اخلاقی شده است. برای مثال در بمباران اخیر یوگسلاوی بر سرکشمش کوزوو گرچه تلفات افراد کشوری در بمباران ۱۱ هفته ای سرزمین مزبور بسیار پایین بود، اما از یاد نبریم که بخش زیادی از تلفات مزبور در اثر اصرار فرماندهان بر این نکته بود که هواپیماها برای در امان ماندن از آتش ضد هوایی، در ارتفاع بالا پرواز کنند.

در جو حاکم کنونی که مفاهیمی مانند جان بازی، فداکاری و ... تقوای کهنه شده به حساب می آیند، کاربرد دستاوردهای علمی، به ویژه آن هایی که توان آن را دارند که په ژرفا نگر بسته و در ژرفا هدف گیری کنند، همراه با سرعت و دقت بسیار، باعث شده است که هواخواهان جنگ های زمینی، در موضع انفعالی قرار گیرند.

برخلاف دیگر نیروها، نیروی زمینی همیشه بیشتر متکی به افراد بوده است تا ادوات. در میان پیاده نظام بریتانیا، یک شوخی نیمه جدی وجود دارد که می گوید: "نیروی زمینی تجهیزات را در اختیار افراد قرار می دهد، اما نیروی هوایی بنده تجهیزات است."

در دانشکده "ساندهورست (Sandhorst)"، مربوط به نیروی زمینی بریتانیا، هنوز برنامه های درسی بر پایه ارزش والای بردارهای انسانی، مانند همکاری دسته جمعی، رهبری، پذیرش خطر مرگ در صورت لزوم، نشان دادن واکنش روانی در برابر کشته شدن هم قطاران و ... قرار دارد. اما روزه روز، نظریه پردازان جنگ های زمینی برای اثبات این موضوع که تقوای کهنه شده و جنگ افزارهای به نسبت از مد افتاده، می توانند با پیشرفت زمان همراه شوند، زیر فشار بیشتری قرار می گیرند.

در بسیاری از بحث های نظامی، منافع گزوه های فشار، بیشتر از سودمندی جنگ افزارها، مطرح است. تانک، توپخانه و خودروهای زرهی و

نظامی برای تولیدکنندگان آنها به معنای یک تجارت چند میلیارد دلاری است و لذا هر ساله برای عرضه و فروش این جنگ افزارها، نمایشگاه هایی هم برپا شود.

چندی پیش در بندر یونانی پیرایوس (Piraeus) دست چینی از ماشین های کاشنده در محیطی پر زرق و برق به نمایش گذارده شد. در نمایشگاه مزبور، آمریکایی ها، تانک های آبرام (Abram) را (که ۸ هزار فروند آن در خدمت ارتش خودشان است) تبلیغ می کردند. آن ها می گفتند این تانک ها به نسبت بهایشان از ارزش و قدرت جنگی والایی برخوردار دارند.

آلمان ها، سرگرم تبلیغ تانک های لئوپارد-۲ (Leopard-۲) بودند که هفت کشور همسایه دور و نزدیک آلمان، آن ها را خریداری کرده اند و به خدمت گرفته اند. آن ها از این تانک ها به عنوان تانک اروپا، نام می بردند.

فرانسویان، برای تشریح مزایای تانک های لوکره (Leocre)، عنوان می کردند که این تانک به جای ۴ سرنشین، تنها دارای سه خدمه است و در سرعت های بالا با دقت بسیار می تواند هدف گیری

TANDOR

کوش

جنگ هوشمندتر

در هر دو سوی اقیانوس اطلس (آتلانتیک)، طراحان نظامی دچار دوگانگی هستند. نبردهای آینده، تا آن جایی که می توان حدس زد، بر سر سلطه برخاک است، نه آب و هوا. تازمانی که قدرت عظیم جنگی آمریکا برهاست، بسیار به دور از ذهن است که نیرویی در پی آن باشد که در هوا یا در اقیانوس اطلس یا کبیر، قدرت غرب را به مبارزه بطلبد.

اما، لازمه جنگ بر سرسلطه برخاک، نبرد بر روی زمین نیست. موشک های دور پرواز، موشک های مستقر بر روی گشتی ها و زیردریایی ها، موشک های کروز، بمب افکن های استراتژیک و تاکتیکی، چرخ بال ها و ... می توانند همان کاری را انجام دهند که روزگاری تنها از عهده نیروهای زرهی بر می آمد، البته غیر از جنگ های شهری. آمریکایی ها در سوماتالی و روس ها در چین آموختند که جنگ افزارهای سنتی برای نبرد خیابانی دارای کاربرد نیست.

طراحی و ساخت جنگ افزارهایی که در رده زمینی طبقه بندی می شوند، یعنی از تفنگ گرفته تا تانک، روز به روز هوشمندتر می شوند. آمریکایی ها و آلمان ها، به فن آوری (تکنولوژی) ساخت گلوله های توپ که وسیله ماهواره هدایت می شود، دست یافته اند. سخن برسر ساختن تانک هایی است که وسیله نیروی برق حرکت خواهند کرد. بدین سان، نیاز به داشتن انبارهای عظیم سوخت، منتفی خواهد شد. دانشمندان بر

روی زرهی های هوشمند کار می کنند. یعنی برخوردار کردن زرهی ها از تجهیزات نوینی که تنها هنگامی که زیر آتش قرار گیرند، فعال می شوند. اما، پیشرفت های فن آوری (تکنولوژی) که هر روز دریچه نوینی بر روی طراحان جنگ افزارهای زمینی می گشاید، می تواند شیوه جنگ های زمینی را به کلی دگرگون سازد.

برپایه نظرات آقای کریس بل آمی (Bellamy Chris)، استاد دکترین نظامی در دانشگاه انگلیسی گران فیلد (Gran Field)، نسل آینده تانک ها، یا هر چیز دیگری که وظیفه آن ها را انجام دهد، برپایه سیستم آتش الکترو-مغناطیس و یا شاید لیزر، قرار خواهد داشت. شاید نتوان زره آن ها را به اندازه ای کلفت ساخت که بتوانند برابر چنین آتشی پایداری کنند.

تنها راه در امان ماندن از آتش الکترو-مغناطیس با سرعت بسیار، یعنی بیش از ۲۰۰۰ متر در ثانیه،

های راه آهن اروپای مرکزی برای حمل تانک، بسیار تنگ است و لذا این جنگ افزارها، از راه دریا گسیل شد.

برای انگلیسی ها و فرانسویان که همیشه برای خود منافعی فراتر از اروپا در نظر دارند، تانک های سنگین با برداشت نوین و اکتش سریع، همخوانی ندارند. ارتش فرانسه، به دلیل برخورداری از سنت استعماری و روابط نزدیک با ناتو، از تجربه ترابری تانک های سبک به آن سوی دریاها- برای مثال: آفریقا- بهره مند است.



اما این حقیقتی است آشکار که هنوز یک دهه بعد از فروریزی دیوار برلین، ادوات تولیدی از سوی غربی ها برای جنگ های زمینی، برپایه ی تفکرات دوران جنگ سرد، که در آن میدان نبرد از پیش شناخته بود، استوار است.

ایالات متحده که چندین برابر همه متحدان خود برای پژوهش و تولید هزینه می کند، شاید بتواند برای مقاصد گوناگون، ادوات از مد افتاده و با فن آوری برتر (High-Tec) را همزمان تولید کند، اما برای اروپایی ها، با ارتش های بسیار کوچک نسبت به آمریکا، انتخاب میان جنگ افزارهای نو و کهنه، حیاتی است. اما، جای شگفتی است که با وجود سر و صدای بسیار درباره نقش دفاعی نوین اتحادیه اروپا، ارتش های اتحادیه مزبور، نتوانسته اند خود را به اندازه آمریکایی ها به دوران بعد از جنگ سرد، نزدیک کنند.

کند. رقیبان بریتانیایی، استدلال می کردند که تانک های چلنجر-۲ (Chalanger-۲)، از نظر ۲۲ جنگ افزارهای تأمین، در صدر همه ی تانک های جهان قرار دارد. فرآورده های روسیه و اوکراین نیز در این نمایشگاه عرضه شده بود و فروشندگان آن ها مدعی بودند که فرآورده هایشان از همان کیفیت تانک های غربی برخوردارند، منتی قیمت آن ها بسیار ارزان تر است.

ناظران، روند نمایشگاه را زیر نظر داشتند، زیرا دولت یونان در حال گزینش و عقد قراردادی به مبلغ ۲ میلیارد دلار برای خرید ۲۵۰ تانک بود. به این ترتیب، ایجاد و ادامه ده ها هزار شغل بستگی به تصمیم دولت یونان داشت.

بعد از یونان، نوبت خرید ترکیه، رقیب تاریخی کشور مزبور بود. ترکیه در حال بررسی و خرید ۱۰۰۰ تانک است. این امر، رقابت شدید آمریکا، آلمان، فرانسه، انگلستان و اوکراین را برانگیخته است. البته، مسلم است که هر فرآورده ای که از سوی یونان برگزیده شود، ترک ها آن را نخواهند خرید (۱).

اما، برخلاف چار و جنجال برای یافتن مشتری و اغراق گویی درباره مزایا، زره دارهایی که در شهر بندری یونان به نمایش گذارده شده بودند، همگی دارای مزایا و معایبی مشابهند. همه آن ها، کم و بیش ۷۰ تن وزن دارند. همگی در شرایط آب و هوایی گوناگون و زمین های مختلف می توانند عمل کنند و همه چیز را بر سر راه خود در هم کوبند. همه آن ها، بدون پشتیبانی توپخانه، هدف مناسبی برای دلاورانی هستند که موفق می شوند خود را به آنها نزدیک کنند [برای شلیک آر. پی. جی و سلاح های مشابه].

نیروی هوایی آمریکا، کم و بیش ۵۰ فروند هواپیمای ترابری C-۱۷ دارد که ویژه ترابری تانک است. این هواپیماها نیاز به باند ندارند. نسل پیشین این هواپیما، یعنی C-۵، دارای گنجایش بیشتری بود و برای فرود نیاز به باند درازتری داشت. هیچ یک از متحدان اروپایی آمریکا، دارای این گونه هواپیما نیستند. تنها چند فروند از آن ها در اجاره دولت بریتانیا است.

طراحان نظامی آلمان که افکارشان متوجه قاره اروپاست، ممکن است استدلال کنند که آن ها برای گسیل تانک از راه زمین مشکلی ندارند. اما، ترابری جنگ افزارهای سنگین از سوی فرماندهی ناتو در درگیری های کوزوو (Kosovo)، نشان داد که توئل

می گوید: تنها چیزی که می تواند ضربه های یک تانک را پاسخ دهد، تانک است.

جنگ افزارها و پشتیبانی سیاسی

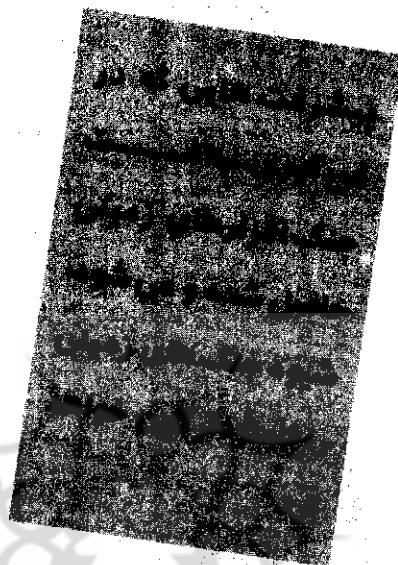
در حالی که انگلیسی ها و فرانسویان سخت می کوشند تا رقابت را میان نیروهای سه گانه ی ارتش های خود مهار کنند، رقابت میان چهار شاخه ارتش آمریکا، یعنی نیروی زمینی، هوایی، دریایی و تفنگ داران دریایی، شدیدتر می شود.

طراحان پنتاگون، برآنند که از این راه، شکل و قواره ارتش خود را با آن چه در آینده باید باشد، تطبیق دهند. در سال های اخیر، نیروی زمینی آمریکا نتوانسته است مانند نیروی هوایی و دریایی به قدرت سیاسی دست یابد. بمب افکن ها و ناوهای هواپیما بردارای پشتیبان های سیاسی نیرومندی هستند. توانمندی تکنگاران دریایی، در هاله ای از حماسه قرار دارد، اما، نیروی زمینی هنوز از ناکامی خفت بار در جنگ کوزوو، رنج می برد. چند روز پس از آن که ناتو، نبرد هوایی علیه صربستان را آغاز کرد، ژنرال ولزلی کلارک (Welsly Clarc k) ، فرمانده نیروهای متفق به نیروی زمینی آمریکا دستور داد که تعدادی چرخ بال آپاچی، همراه با هلی کوپترهای استیل رایز (Steelrai n) ، با ۵ هزار سرباز به آلبانی گسیل دارد، تا در صورت نیاز از راه زمین به کوزوو حمله کنند. اما هماهنگ کردن این نیرو، چند هفته به درازا کشید. مشکل عمده، گسیل جنگ افزارهای سنگین از راه تنها فرودگاه ممکن در آلبانی یعنی فرودگاه تیرانا بود که همزمان به عنوان یک پل هوایی برای رسانیدن کمک های انسانی دوستانه نیز مورد استفاده قرار داشت. این وضع، آشکار کرد که این همان چیزی است که می تواند برای گسیل هر نیروی سنگین اسلحه، مشکل ایجاد کند.

از آن زمان، نیروی زمینی، در پی بازسازی

تقسیم کار میان نیروی زمینی و هوایی تغییر کرده است. پیش از آن که ما قدم بر روی خاک دشمن بگذاریم، بخش بزرگ ارتش دشمن، نابود شده است.

در این زمینه اروپایی ها محافظه کارترند. ژنرال سیاستیان رابرت (Sebastian Roberts) ، یکی از نظریه پردازان جنگ های زمینی انگلستان، بر این



نکته پافشاری می کند که در آینده ای نه چندان دور، ارتش های غربی نیازمند زرهی های سنگین هستند که بتواند خاک را اشغال کند و اعلام دارد که من اینجا هستم و این جا می مانم.

تفکرات انگلیسی ها درباره جنگ افزارهای زمینی، با فراگشت تکامل جنگی هلی کوپتر (چرخ بال) ها، پیوستگی دارد. چرخ بال ها می توانند، پرسه زده، اطلاعات جمع آوری کرده و آتش حجیمی بر روی دشمن بکشایند. با وجود این، آن ها بر این باورند که تانک می تواند وظایف مشخصی بر روی زمین را انجام دهد. رابرتس

می تواند گریز یا پیشدستی باشد. بدین سان، سازندگان زرهی ها، به ناچار برابر همان گزینه ای قرار می گیرند که سازندگان کشتی های جنگی قرار دارند، یعنی چشم پوشی از زره به سود سرعت و پنهان کاری.

حتی اگر بتوان زره دارهای سنگین را بهبود بخشید، اما، کندروها در جهانی که جنگ ها به غایت، کوتاه و ویران گر شده اند، راه به جایی نخواهند داشت.

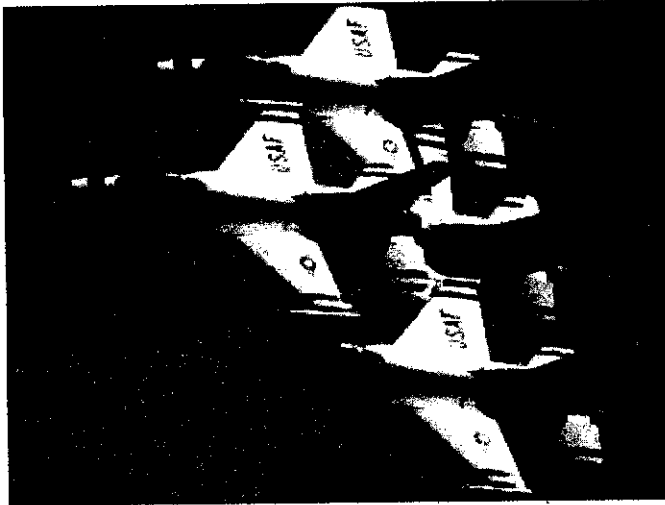
سناتور ژوزف لیبرین، جفت انتخاباتی آل گور در انتخابات اخیر ریاست جمهوری آمریکا، پیش بینی می کند پیش از آن که لازم باشد آمریکا برابر موشک ها از خود دفاع کند، در زمان کوتاهی که بی سابقه است، می توان در دوردست ها نیروهای دشمن را در عرض یک ساعت نابود کرد. در این صورت، تانک های سنگین حتی فرصت نخواهند یافت که از آشیانه های خود بیرون آیند. در این فرآیند، پیش از آن که آن ها به میدان نبرد برسند، جنگ پایان یافته است. در حقیقت، اندک کسانی بر این باورند که در آینده نزدیک، جنگ های دقیق از پشت دیده ورها (مانیتور) و دگمه ها، تنها موضوعی است که طراحان نظامی باید به آن فکر کنند.

جنگ ایران - عراق یا نبرد فالکنند (۲)، نشان داد که هنوز امکان نبردهای از مد افتاده وجود دارد. به دلیل های سیاسی و یا اخلاقی، طراحان نظامی همیشه در پی آن هستند که برخی ملاحظات را از نظر دور ندارند. تراشیدن دشمن، نیرومندترین دلیل برای ایجاد و حفظ یک ظرفیت بالا از جنگ افزارهای زمینی است.

اما در ایالت متحده آمریکا، هواخواهان قدرت هوایی، بر این باورند که جنگ افزارهای سنگین زمینی، می بایست، وزن کم کنند. داوید اوچمانک یک پژوهشگر مؤسسه راند (Rand) د، می گوید:

سومین کتاب راهنمای تولیدکنندگان کشاورزی، دامپروری و آب ایران منتشر شده است

علاقمندان برای دریافت کتاب با تلفن ۸۸۴۲۷۳۰ و یا فکس ۸۸۳۲۳۶۱ و صندوق پستی ۵۴۶۷ - ۱۴۱۵۵ تماس حاصل نمایند.



همکاری های دو سوی آتلانتیک در زمینه سیستم های جنگ زمینی، چهار شکاف بیشتری شود. در انگلستان، کارشناسان نظامی از آن بیم دارند که ساخت سیستم جنگی آینده، ممکن است از نظر مالی برای ساخت فرآورده های

حیثیت از دست رفته خود است. پیشگام این تلاش، ژنرال اریک شینسکی (Eric Shineski) از اهالی هاوایی است. وی به نیروی زمینی قبولاند تا بر پایه طرحی به مبلغ ۷۰ میلیارد دلار، در راه تحول گام بردارد. پایه این طرح بر آن است که از سنگینی ادوات نیروی زمینی کاسته شده و به آن امکان دهد که از دستاوردهای فن آوری، استفاده بینه ببرد. اوسال گذشته، در حالتی که هنوز نیروی زمینی از حقارت نبرد بالکان رنج می برد، هدف بسیار بلند پروازانه ای را مطرح کرد.

بر پایه این هدف، نیروی زمینی باید قادر باشد که در عرض چهار روز یک هنگ آماده نبرد را به هر کجای دنیا که نیاز باشد، گسیل دارد و سه برابر آن را در عرض پنج روز، هم اکنون برای این کار یک هنگ در حال تعلیم است.

در یک رأی اعتماد از سوی سنا برای ژنرال شینسکی در تابستان گذشته، هزینه های اجرای طرح، نقش درجه دومی را باز می کرد. این امر به رییس نیروی زمینی فهماند که آن ها در سنا دارای دوستان بهتری هستند تا در پنتاگون. اما، این هنگ سریع السیر، چه چیزهایی می تواند همراه خود

به میدان جنگ ببرد. البته تانک ها و توپ های سنگین را در یک مدت کوتاه نمی توان به میدان جنگ رسانید. در حال حاضر، آن ها از یک خودروی دستکاری شده ی نظامی بهره خواهند گرفت که به احتمال زیاد در کانادا تولید می شود. البته پیش بینی می شود که به دلیل زره نازک این خودروها، تلفات نیروها زیاد باشد. ژنرال شینسکی برای حل این مسئله، طراحان نظامی را موظف کرده است که خودرویی

نقش پیاده نظام آمریکا و نیز زرهی سنگین (چنان که جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ میلادی نشان داد)، کاسته می شود. بزرگترین مشکل برای نیروی های آمریکایی به منظور گسیل به آن سوی دریاها، هنگامی رخ می دهد که آن ها دسترسی به فرودگاه ها و یا بندر های کشورهای دوست برای رسیدن به میدان نبرد نداشته و یا در نقطه ورودی مورد حمله های موشکی از راه دور قرار گیرند.

هرگاه نیروی زمینی به واقع آماده تغییر باشد، می بایست کم تر به زرهی و توپخانه توجه کند و بیشتر متوجه سلاح های ضد موشک شود. از سوی دیگر، می بایست توجه بیشتری بر روی هشدار دهنده ها و زنده های دقیق از راه دور، به عمل آورد.

اما، لازمه چنین تغییرات عظیم از نظر اولویت ها، برهم زدن موازنه قدرت در درون نیروی زمینی است؛ یعنی کم رنگ شدن قدرت طرفداران "تانک" که از اعتبار بالایی برخوردار بوده و هستند.

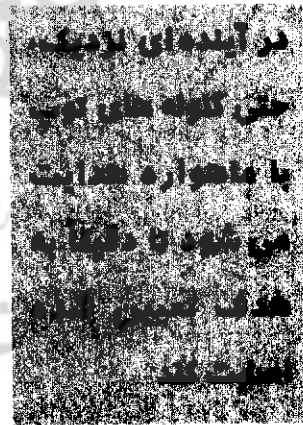
۱- این نوشتار مربوط به پیش از فروپاشی مالی اخیر ترکیه است. در چنین شرایطی، خریدهای این چنانی، برای ترک ها جز رویایی بیش نیست (مترجم).

۲- جنگ آرژانتین و انگلستان بر سر جزایر مالویناس (فالکلند).

ماخذ: مجله اکونومیست ۱۸- نوامبر ۲۰۰۰
برگردان: ویداهار می

مشترک بریتانیا و آمریکا، یعنی خودروی شناسایی تراپسر (Tracer)، ایجاد اشکال کند. در اصل قرار بود که پنج میلیارد دلار هزینه این طرح مشترک دو سوی آتلانتیک شود. البته همه برنامه ریزان نظامی انگلستان، از دریچه بالا به این موضوع نگاه نمی کنند؛ بسیاری ترجیح می دهند که این پول، با توجه به فن آوری موجود، صرف پژوهش و تولید یک خودروی نیمه سنگین جنگی گردد تا بدین وسیله شکاف میان تانک های غول پیکر و نفربرهای سبک، پر شود. اما، تصمیم آمریکایی ها برای برداشتن قدم های سریع به پیش، می تواند پروژه های مشترک با اروپایی ها را با مشکل روبرو سازد. مگر آن که اروپایی ها خود را با برنامه های حاکم بر پنتاگون هم آهنگ کنند.

درک اندیشه های ژنرال شینسکی ممکن است برای اروپایی ها دشوار باشد، اما بسیاری بر این عقیده اند که گوش اروپایی ها، شنوایی کافی برای شنیدن این حرف ها را ندارد. اندرو کرپینه ویچ (Andrew Krepinewich) آمریکایی یکی از هواخواهان پروپاقرص دفاع بر پایه فن آوری برتر (High-Tec)، می گوید که ابتکار نیروی زمینی قابل تحسین است. اما می افزاید، کشمکش سختی در زمینه پروکراسی میان نو اندیشان و کهنه پرستان، در پیش است. از نظر وی، روز به روز، از



به نام سیستم جنگی آینده (Future Combat System) بسازند که از نظر قدرت آتش هم سطح یک تانک آبرام بوده و از نظر وزن، تنها یک سوم وزن آن را دارا باشد. گفته می شود که این وسیله بر روی چرخ حرکت خواهد کرد نه زنجیر. زمان پایان پروژه مزبور از سال ۲۰۲۵ به سال ۲۰۰۸ پیش کشیده شده است.

کارشناسان اروپایی تردید دارند که با فن آوری امروز، بتوان به این کار نایل شد. آن ها از این بیم دارند که در اثر اختلاف طرز فکر نظامی،